

بحث درباره امکان و عدم امکان مطالبه نفقه

از شوهر خود از طرف زنیکه بسن ۱۸ سال تمام نرسیده

حق داده بوسیله دادگاه در مقام مطالبه آن بر آید ولو اینکه زوجه بسن ۱۸ سال تمام نرسیده باشد - ولی معتقدین به عدم امکان اقامه دادخواهی بخواسته نفقه از طرف زنی که بسن ۱۸ سال تمام نرسیده - که نگارنده نیز از این دسته محسوب است - بادلائل زیرین استدلال دسته اول را غیر صحیح دانسته و برای اثبات صحت نظریه خود دلایلی اقامه مینمایند.

وآن این است - موافق ماده واحده راجع به رشد متعاملین مصوب سیزدهم شهریور ماه ۱۳۱۳ و ماده ۱۲۰۹ از قانون مدنی هر کس که دارای ۱۸ سال تمام نباشد در حکم غیر رشید است و حکم مقرر در دو ماده مزبوره کلی و شامل انانی که بسن ۱۸ سال تمام خورشیدی نرسیده و می خواهند نفقه زمان زوجیت خود را از شوهر خود مطالبه کنند میباشد بدیهی است نظر بمفاد مادیتین مرقوم دادگاهان هم نباید جز در مورد نکاح و طلاق باعمال و اقرار آنان ترتیب اثر بدهند - و در این موارد میبایست نفقه مورد ادعای زن از طرف ولی و یا قیم او مورد مطالبه قرار گیرد چه اینکه نفقه از حقوق مالی زن و ارتباطی باصل نکاح و طلاق که قانون بموجب حکم خاصی اجازه و رخصت آن را داده ندارد تا از متفرعات نکاح بشمار آید و تصور اهلیت شود. و برای استواری این مطلب چنین استدلال میکنند - زوجه قبل از رشد کامل قانونی و اتمام هیجده سال خورشیدی اگر بتواند شخصاً بدون مداخله ولی خود نفقه اشرا بوسیله مراجع رسمی از شوهر خود مطالبه کند باید باو حق داد که سایر اموال و حقوق قابل انتقال خود را بدیگران مصالحه و در مقام نقل آنها بر آید در صورتی که تردیدی نیست باینکه زنی که بسن هیجده سال تمام نرسیده شخصاً حق مداخله و تصرفات نسبت به اموال و سایر حقوق مالی خود ندارد - کما اینکه

موافق ماده ۱۰۴۱ از قانون مدنی - نکاح انان قبل از رسیدن بسن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور پیش از رسیدن بسن ۱۸ سال تمام ممنوع است - معذالك در مواردی که مصالحی اقتضاء کند بایشهاد دادستان و تصویب دادگاه ممکن است استثناء معافیت از شرط سن اعطاء شود - ولی در هر حال این معافیت نمیتواند به انانی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و بذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند .

موضوع بحث در این است :

دختری پس از رسیدن بسن ۱۵ سال تمام در حباله نکاح مردی که قابلیت صحی برای ازدواج را داشته در آمده و بجای اینکه در تشییع مبنای خانوادگی اقدام نمایند - روابط آنان تیره و در اثر اختلافات حاصله منجر بفصل علقه زوجیت و طلاق گردیده - و اکنون زوجه که فرضاً بسن ۱۶ و یا ۱۷ سالگی است میخواهد نفقه زمان زوجیت و زمان عده اشرا از شوهر خود مطالبه کند در این صورت آیا خود شخصاً اهلیت طرح دادخواهی در مراجع رسمی را داشته و یا اینکه میبایست بوسیله ولی عهدی و یا قانونی خود مطالبه نفقه نماید عقاید درباره امکان و عدم امکان طرح دادخواهی از طرف چنین زنی متباین و مختلف - دسته طرفدار امکان طرح دادخواهی از طرف زنیکه به ۱۸ سال تمام نرسیده میباشند و دلیل آنان بر این است همان طوری که قانون مدنی بدختریکه بسن ۱۵ سال تمام رسیده و هنوز بسن ۱۸ سال تمام خورشیدی نرسیده حق ازدواج را داده تبعاً حق مطالبه نفقه و کسوه و مسکن را که از متفرعات اصل نکاح است هم داده و مانع قانونی در مطالبه نفقه از طرف زوجه در بین نبوده و بملاوه ماده ۱۱۱۱ از قانون نامبرده به طور مطلق بهر زنیکه شوهر او استنکاف از تأدیه نفقه او بنماید

ماده ۱۲۱۲ از قانون مدنی نظرباین مطلب و غیررتیدرا بطور مطلق در مداخله امور و حقوق مالی خود منع نموده است و مرجع رسمی را تکلیف کرده که بدر خواست آن ترتیب اثر ندهد.

از ملاحظه مراتب مشروح و دلایل هریک از طرفداران امکان و عدم امکان مطالبه نفقه از طرف زنیکه به ۱۸

سال تمام نرسیده دلایل دسته دوم موجه و ثمره این است پذیرفتن دادخواهی چنین زنی هیچگونه مجوز قانونی نداشته و باصراحت مواد ۱۲۰۹ و ۱۲۱۲ از قانون مدنی و قانون راجع به رشد متعاملین مخالفت تام خواهد داشت و نباید دادخواهی نامبرده باین کیفیت راقبول و رسیدگی نمود.

اسدالله مصباح بیان

گواهی (شهادت)

« دیباچه »

بخش دوم در اقسام گواهی

گواهی بر دو قسم است:

۱- گواهی کتبی

الف- گواهی اصلی

ب- گواهی فرعی

۲- گواهی زبانی (شفاهی)

الف- گواهی اصلی

ب- گواهی فرعی

بطوریکه ذکر شد هریک از دو قسم گواهی [کتبی -

زبانی] ممکن است بدو شکل صوت گیرد:

الف- گواهی اصلی

ب- گواهی فرعی

الف- گواهی اصلی آنست که بر اثر حضور شخص

گواه در واقعه مورد گواهی و دیدن یا شنیدن یا درک کردن

او بعمل آید بنابراین گواهی شخص کور بیچیزی که علم به

آن از راه گوش حاصل و از دیدن بی نیاز است و یا گواهی

شخصی که در موقع مشاهده واقعه بینا بوده و پس از آن نابینا

شده در صورتیکه حین اداء گواهی علیه بمشهود بحاصل نماید

و بر اثر ثبت باشد قابل ترتیب اثر است - همچنین گواهی شخص

کر در مورد چیزی که علیه بان از راه دیده حاصل میگردد و

نیازی بشنیدن نیست و گواهی شخص لال بطور اشاره قابل قبول

و پذیرفته است.

موضوع سخن بحث در پیرامون گواهی و مراد ما در این مبحث تعریف و شرح اقسام و بیان موارد و ذکر شرایط و مواع و نتایج و اثرات گواهی است که فهرست آن طریق زیر و هر قسمت در بخش جدا گانه نگاشته و مورد نظر واقع میشود:

بخش یکم - در تعریف گواهی

بخش دوم - در اقسام گواهی

بخش سوم - در موارد گواهی

بخش چهارم - در شرایط گواهی

بخش پنجم - در مواع گواهی

بخش ششم - در نتایج و اثرات گواهی

بخش یکم

در تعریف گواهی

گواهی یکی از ادله اثبات دعوی و وسیله کشف زوایا

و تشخیص حق از ناحق و بیکناه از گناهکار است.

ماده ۱۲۸۵ از قانون مدنی ایران دلایل اثبات دعوی را

بقرار ذیل بیان نموده است:

۱- اقرار ۲- اسناد کتبی ۳- گواهی ۴- امارات

۵- قسم

مادر اینجا فقط بشرح گواهی که یکی از اقسام مهم

دلایل زبانی (شفاهی) با « اقرار - گواهی - قسم » مورد

بحث میباشد اکتفا مینمائیم.